

بسم الله الرحمن الرحيم

کلید واژگان: عقل رعایت، عقل روایت، تراث، ترمیم و تکمیل تولید تراث، مبادی تصویری علم اصول، جعل و اراده، مقدمه واجب، ساحات علم فقه، ساحات شریعت.

قال امیر المومنین علی علیه السلام اعقلوا الخبر إذا سمعتموه عقل رعایه لا عقل روایه، فإن رواه العلم کثیر و رعایه قلیل.

این حدیث به دو نهاد اشاره میکند که در قرآن و روایات و حتی محاورات به این دو نهاد اشاره شده است. یکی نهاد رعایت و رعای است که گاهی در قرآن به وعی تعبیر شده است که نهاد عقل هم با آن هم سو است. نهاد دوم نهاد روایت، نقل، شنیدن و گفتن است. حضرت می فرمایند: خبری را می شنوید عمیقا در آن بیندیشید و اگر می خواهید نقل بکنید با فهم و اندیشه و تامل آن را نقل کنید نه صرفا روایت کنید و منتقل کنید.

مخاطبان اصلی این روایت کسانی هستند که ارتباط با تراث و معارف دین دارند البته منحصر در این قشر نیست ولی مخاطب اصلی آن همین قشر است که ما از مصادیق آن هستیم.

خبر می تواند یک روایت از معصوم باشد و می تواند یک آیه از قرآن باشد و حتی می تواند تراث باشد مانند تراث روایی و اخلاقی و متون فقهی که اینها مصادیق خبر است. حالا اگر لفظ خبر شامل اینها نشود اما از جهت مناط شامل این موارد می شود. ما در مقام تمثیل مانند فرزند آن پدر کارخانه داری هستیم که پدر فوت کرده و این کارخانه را برای فرزند به ارث گذاشته و او مانده و این کارخانه و این ثروت که چگونه از آن استفاده کند.

ما میراث غنی داریم از جمله قرآن و روایات و سنت های معصومین و حاصل تلاش عالمان دینی در تفسیر و کلام و فقه و اصول و ... ما چگونه با این تراث باید رفتار کنیم؟ حضرت می فرماید با عقل رعایت نه با عقل روایت. اگر این دستور برای دیگران مستحب باشد برای ما واجب است و مثل نماز و روزه و حج است. بر فرض اگر این روایت هم نبود عقل ما هم می گوید که ای طلبه و عالم دین با عقل رعایت رفتار کن.

اگر کسی می خواهد جزو رعای باشد نه رواه، در تعامل با تراث باید پنج کار انجام دهد:

- اول اینکه تراث را خوب بفهمد: کسی که ارتباط و انس با تراث ندارد و مدت کمی در حوزه یا دانشگاه گذرانده و آمادگی او برای حرف زدن بیشتر بوده تا گوش دادن این مصیبت است و نمی تواند تراث را خوب بفهمد.
- دوم اینکه از باب رسالتی که دارد تراث را به خوبی توضیح دهد.
- سوم اینکه گاهی تراث نیاز به ترمیم دارد مانند خانه ای که نیاز به ترمیم دارد و صحیح و از سقیم جدا کند که البته این در قرآن نیست اما در روایات هست.
- چهارم اینکه گاهی نیاز به تکمیل دارد جایی نیاز هست که نواقص تراث تکمیل شود

نیست اما اگر معلوم شود که اصول فقه هم ساحات مختلفی دارد سوال می شود این ساختاری که شما برای اصول فقه بیان کردید برای کدام ساحت از فقه است؟

پاسخ: ما از شریعت شروع می کنیم. شریعت یعنی اعتبارات الهی که خدای متعال جعل فرموده و به رسولش ابلاغ کرده و رسولش هم به مردم ابلاغ کرده است. شریعت برای ساحات مختلف است و شنیده اید که گفته می شود شریعت جامع به اعتبار متعلقاتش که به اعتبار گستره خود شریعت است و به اعتبار مخاطبانش گفته می شود که شریعت جهانی و به اعتبار اینکه برای همه زمان هاست گفته می شود شریعت جاودان. شریعت به این صورت است و فقه هم برای همین شریعت است و می خواهد این شریعت را کشف کند. پس فقه هم دارای ساحات مختلفی است. اصول فقه هم برای این فقه است پس باید اصول فقه همه ساحات را شامل شود منتها باید توجه داشت که شریعت که ساحات مختلف دارد و فقه که به تبع شریعت ساحات مختلفی دارد مستلزم این نیست که اصول فقه، متعدد باشد. اصول فقه به اعتبار ساحات فقه متعدد نمی شود. مسائل اصول فقه در همه ساحات فقه به کار می آید. بله اتجاهات و رویکردهای فقیه باید متناسب با آن ساحت مربوطه از فقه باشد. مثلاً فقیه در عبادات ممکن است تعبد به مستندات داشته باشد ولی در معاملات تعبد نداشته باشد. عبادات جای فهم و سیره عقلا نیست اما در معاملات مثل ارکان بیع و شرایط عوضین و خیارات و... خیلی از اینها عقلایی است. این عقلایی بودن در فهم ادله و فتوا دادن اثر می گذارد. پس در عبادات اتجاه عام علی التعبد است اما در معاملات ممکن است بگوییم اتجاه عام علی التعلل است الا ما خرج، چون معاملات هم تعبد دارد. یا بگوییم در عبادات اصل بر عدم وصول به فلسفه حکم است اما در معاملات ممکن است چنین چیزی را قائل نباشیم. ممکن است نسبت به کلمات معصومین در عبادات اصل تشریح جاری کنیم ولی در معاملات این اصل را جاری نکنیم و بگوییم در معاملات در یک مساله مربوط به معاملات در مقام تشریح نبوده و یک مدرک عقلی و عقلایی را تبیین نموده است.

پس این اصول فقه برای همه ساحات فقه است و اگر کسی تصور داشته باشد که اصول فقه متعدد است می گوییم این ساختار برای قدر متقین اصول فقه است.

خلاصه بحث: مباحث موجود در حلقه دوم از مبادی تصویری علم اصول است اما باید مورد بحث قرار گیرد هر چند داخل در دانش علم اصول تلقی نشود. اینکه بیان شد ما اراده بدون جعل را کار نداریم، منظور از این اراده، اراده محضی است که در هیچ قالبی به شکل جعل در نیامده است. درست است که مقدمه واجب وجوبش جعل نشده و پشت آن اراده وجود دارد اما در قالب جعل وجوب برای ذی المقدمه، ابراز شده است. شریعت ساحات مختلفی دارد و فقه هم که علم کشف شریعت است ساحات مختلفی دارد اما این مستلزم این نیست که اصول فقه هم ساحات مختلفی داشته باشد و ممکن است اتجاهات فقیه گوناگون باشد.